

### روش عقلی در بررسی حقیقت پیامبری

بحث جلسات گذشته پاسخ به این پرسش بود که حقیقت نبوت و پیامبری چیست؟ آیا گزینش الهی است کما اینکه پیروان ادیان الهی معتقد به آن هستند یا همان گونه که برخی اخیراً گفته اند گزینشی بشری است؟ گفته شد برای بررسی این مساله باید روش درست پرداختن به این مساله را پیدا کنیم. در بررسی ها معلوم شد که روش مناسب این بحث روش عقلی است. تبیین عقلی در باره نبوت نیز مبتنی بر مقدماتی بود که برخی از آنها در جلسه گذشته بیان شد. اکنون به بررسی مقدمه پنجم می رسیم.

### توانایی عقل در شناخت بایدها و نبایدها

مقدمه پنجم این است که در محورهای چهارگانه روابط انسان (رابطه انسان با خداوند، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با سایر انسان ها و رابطه انسان با جهان)، آیا عقل می تواند شناخت و معرفت لازم را خود به دست آورد به گونه ای که بتواند در مورد روابط چهارگانه به صورت صحیح مدیریت کند؟ این مساله از آنجا مطرح می شود که انسان موجودی مختار است و رفتار او بر اساس معرفت شکل می گیرد. در پاسخ گفته شد باید دانست که شناخت بایدها و نبایدهای این حوزه ها به صورت اجمالی در توان انسان است، و عقل می تواند بودن کمک گرفتن از دیگری از جمله وحی، به شناخت در این زمینه ها دست یابد، اما شناخت بالجمله برای او امکان پذیر نیست. اکنون به بررسی تفصیلی این روابط چهارگانه می پردازیم:

#### محور اول: رابطه انسان با خداوند.

این محور دو جنبه پیدا می کند: ابتدا اینکه خداوند را بشناسیم و دیگر اینکه عملاً او را پرستش کنیم. عقل در مورد شناخت خداوند در حد ظرفیت انسان، مستقل است، البته بهره هایی از معرفت درباره خداوند است که آنها را تنها وحی در اختیار انسان قرار داده است. در بعد عمل که پرستش الهی است عقل اصل آن را به عنوان شکر منعم و ستایش موجود کامل، لازم و واجب می دارد، اما آیا ادب و آداب پرستش را نیز به صورت کامل می داند؟ جواب انسان منصف منفی است. مثلاً انسان چه می داند که باید نماز بخواند و چگونه بخواند و یا به چه شکلی روزه بگیرد. بنابراین در بایدها و نبایدهای عبادی نقش عقل ضعیف است.

#### محور دوم: رابطه انسان با خود

در این رابطه بحث می شود که چه مقدار انسان خود و خصوصاً روحی خویش را می شناسد؟ برخی دانشمندان که جایزه نوبل هم گرفته اند گفته اند: شناخت جسم انسان هم دشوار است (نویسنده کتاب انسان موجود ناشناخته) تا چه رسد به شناخت روح. چه مقدار شناخت انسان کامل است تا بتواند برنامه اخلاقی بدهد؟

ممکن است بگوید بزرگان از گذشته درباره علم اخلاق اعم از حکمت نظری و عملی بحث کرده و مطالب مفیدی ارائه کرده اند. در پاسخ دو نکته قابل توجه است:

۱. صدرا معتقد است ریشه مباحث حکمت به نبوت بر می گردد. حکیمان و فیلسوفان جهان که سخنان سنجیده ای دارند، از سرچشمه نبوت سیراب شده اند. ایشان آدرس هم می دهند که فلان فیلسوف در زمان کدام نبی زندگی می کرده است. در فلسفه غرب نیز در این باره چیزهایی گفته اند، مانند اینکه هرمس، همان ادریس پیامبر است که خط و مانند آن را رواج داده است.

۲. اگر به کتاب های فلسفه اخلاق رجوع و مکتب های اخلاقی را مقایسه کنید در می یابید که آنچه در نظام تربیتی اسلام بیان شده با سایر مکاتب تفاوت هایی دارد و کامل تر است.

محور سوم: رابطه انسان با انسان های دیگر

این حوزه به مناسب های اجتماعی و قوانین مدنی و حقوق مربوط می شود. اکنون سوال این است که آیا در حوزه بایدها و نبایدهای اجتماعی و حقوقی، عقل انسان می تواند به طور کامل این قوانین را به دست آورد؟ ممکن است کسی بگوید بله الان در دنیای غرب که تفکر سکولاریستی حاکم است و دین یک مقوله فردی به شمار می آید و کاری به حوزه اجتماعی ندارد، قوانینی در حوزه های مختلفی دارند و مدعی هستند که قوانین آنها کامل تر است.

پاسخ این است که فی الجمله این مساله مورد قبول است که عقل معاش با استفاده از آزمون و خطا توانسته است به حد قابل قبولی برسد اما نکته اول این که سخن ما مربوط به طول تاریخ بشر است و حقیقت پیامبری مربوط به زمان های قبل بوده که بشر فکر اجتماعی اش رشد نکرده است. فخر رازی در این باره گفته است: انبیا تنها برای معاد مردم نیامده اند بلکه مساله معاش مردم نیز مورد نظر آنها بوده است و دست آنها را در این زمینه ها گرفته اند.

نکته دوم اینکه بر فرض که عقل بشر بتواند در سامان دادن به زندگی دنیوی خوب عمل کند اما آیا این برنامه ها بگونه ای است که حیات اخروی رو هم تامین کند؟ پاسخ منفی است زیرا آنها کاری به حیات اخروی و دغدغه ای در این خصوص ندارند. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»<sup>۱</sup>.

محور چهارم: رابطه انسان با جهان

آنچه در محور قبل بیان شد در اینجا نیز وجود دارد. چرا ما باید قوانینی که دو سویه است را کنار گذاریم و قوانینی که یک سویه است را برگزینیم.

اشکال

برخی می گویند: در دنیای امروز دیگر مدیریت فقهی جواب نمی دهد و اکنون باید مدیریت علمی باشد، لذا نظام ولی فقیه که مربوط به مدیریت فقهی است امروزه جواب گو نیست.

### پاسخ

این سخن مغالطه است، زیرا مدیریت فقهی، مدیریت فقهی محض نیست بلکه فقیه ناظر بر مدیریت کشور است و تمام تخصص های جامعه بشری را در خدمت این نظام می گیرد، منتهی نظام ولایی نسبت به نظام مدرن امروز چیز اضافه ای دارد و آن این است که باید نظریه های علمی با چارچوب دین هماهنگ باشد، مثلاً در مورد آزادی غرب می گویند تنها آزادی فردی دیگران آن را محدود می کند اما می گوئیم مسائل ارزشی نیز در مورد حد آزادی شرط است.<sup>۲</sup>

البته متأسفانه گاهی به نام اسلام سخن گفته ایم اما همان قوانین دنیا را عمل کرده ایم، مانند بانک داری که اسم آن را بانک داری اسلامی گذاشته ایم اما همان سیستم ربوی غربی را اجرا می کنیم. در اینجا به اسلامی که عمل نمی کنیم می گوئیم چرا جواب نمی دهد.

نظام سیاسی ما نظام ولایت (اعم از ولایت پیامبر یا امام یا ولی جامع الشرایط) است و این نظام ولایی در تحقق بخشیدن به آنچه برای جامعه نیاز است از همه تخصص ها استفاده می کند.

### آثار مثبت نظام ولایی اسلام

حوزه های که تحت مدیریت خاص مقام معظم رهبری بوده است، پیشرفت های چشمگیری داشته است، مانند صنایع نظامی، امنیت کشور. یک روزی می گفتند: به ایران سلاح نفروشید، اما امروز می گویند: ایران حق ندارد سلاح به جایی بفروشد. اینها همه مدیریت رهبری است. آقای حاجی زاده می گفت: بعد از سالها که روی زمینه های نظامی و موشکی کار کردیم و کارهای خود را خدمت مقام معظم رهبری ارائه کردیم، ایشان فرمود اینها مطلوب من نیست، آنچه من از شما می خواهم دقت موشک ها است. ما بعداً روی نقطه زنی موشک ها کار کردیم. اکنون که توانستیم پایگاه عین الاسد آمریکایی ها و مقرهای داعش در سوریه را بدون اینکه برای مردمی دیگر مشکلی ایجاد شود بزنیم فهمیدیم اهمیت کلام رهبری در آن روز چه بوده است.

برای ما طلاب بصیرت و خلوص خیلی نیاز است. آیت الله تبریزی که فقیه شاخصی بود، در خلال درس خویش که مباحث ولایت فقیه در جامعه مطرح شده بود فرمودند: اینکه امر مدیریت جامعه به عهده ولی فقیه قرار گرفته برای ما باید مایه خوشحالی باشد زیرا مسئولیت از دوش ما برداشته شده و به دوش ایشان افتاده شده است. آیت الله گلپایگانی با اینکه از جهت علمی در جایگاه بالایی بودند، اما از روی صفای نفس و اخلاق در مورد برخی مسائل می فرمود: اینها به امام خمینی (ره) مربوط می شود. ایشان

<sup>۲</sup> ر.ک: آزادی و دموکراسی از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم، اثر حضرت استاد

گاه می فرمود: این کارهای که امام انجام می دهند، اصلاً از عهده ما خارج است. اما متأسفانه در مقابل می بینیم گاهی شاگرد امام در مقابل ایشان ایستاده است.

در ادامه بحث می گوئیم اکنون که معلوم شد بشر نیازمند به قوانینی است آیا این نیاز باید توسط خدای متعال که آفریدگار ما است رفع شود یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا راهی غیر از وحی دارد یا نه؟ پاسخ این سوال ها ما را به این جواب می رساند که حقیقت نبوت گزینش الهی است. قرآن کریم می فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ»<sup>۳</sup>. در این باره به کتاب «المیزان»، ج ۷ مراجعه کنید.

ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل على محمد و آل محمد